در مورد کسانی که نداشتن شاکی برایشان جرم است

# خدایا، مرا بدون قرض نگذار!

یادداشت
وصال روحانی

مشکلات مالی جدیدی که استقلال با آن دست به گریبان است و البته نسخه‌ای تکراری از معضلات قبلی این باشگاه به حساب می‌آید، سند تازه‌ای در اثبات این موضوع است که آبی‌ها عهد کرده‌اند هرگز بدون بدهکاری‌های بزرگ و شاکیان متعدد زیست نکنند و هیچ‌گاه خاطری آسوده نداشته باشند.

واپسین مهلت‌های فیفا به استقلال برای پرداخت بدهی‌های کلان این باشگاه به وینفرد شفر سرمربی آلمانی سابق آبی‌ها و بویان هافبک پیشین شرق اروپایی‌شان که کمترین خدمات را به آنها ارزانی داشت، حکایت از ادامه نابسامانی‌های مالی در یکی از دو باشگاه پرطرفدار پایتخت می‌کند. تو گویی هر دو فریاد می‌زنند مرا بدون قرض‌های کلان نگذار زیرا نداشتن قرض جرم است!

ظاهراً برای استقلال (وایضاً پرسپولیس) خیلی هم فرق نمی‌کند چه کسی زمامدار این باشگاه است. آیا اولیایی مصدر کار است یا فتح‌الله‌زاده حکومت می‌کند و یا واعظ آشتیانی، افشارزاده و افتخاری زمامداری را در دست دارند و اگر هم فتحی نباشد کارها در دست سعادتمند است و یا فرد دیگری که به زودی جای او را می‌گیرد. مهم بدهکار بودن و بدهکار ماندن این باشگاه به هر کس و هر چیز است و باید قروض سنگین داشت و ده‌ها خارجی مجنون را به فیفا فرستاد تا براساس شکایت‌شان به این نهاد چکمه خود را روی خرخره باشگاه بگذارند و نفس‌شان را به شماره بیندازند.

سیاست خریدهای بی‌رویه و بدون پشتوانه هرگز از استقلال جدا نشده و در این زمینه البته فقط پرسپولیس قدرت برابری با آبی‌ها را داشته است. معلوم نیست اگر اینها پولی ندارند (که قطعاً ندارند) چرا اینقدر خریدهای درشت می‌کنند و اگر پولی دارند (که در برخی مقاطع به لطف سازمان تربیت بدنی و وزارت ورزش یقیناً داشته‌اند) به چه سبب آن را عاقلانه‌تر خرج نمی‌کنند. آنچه قطعی و تأسف‌بار است، ادامه سیاست شکست خورده آبی‌ها در پرداخت‌های سنگین غیرعقلایی به برخی استخدام شده‌هایشان و سپس کم آوردن در این زمینه و کشیده شدن بدیهی کارها به حسابرسی‌های فیفا و نظایر آن است. شاید برخی از مدیران استقلال ادعا کنند که بدهکاری‌های این باشگاه در زمان آنها اندک بوده و اولیایی، واعظ و مقداد نجف‌نژاد که آخری به رغم چند سال عضویت در هیأت مدیره آبی‌ها مدت کمی صاحب پست مدیرعاملی بود، از آن قبیل‌اند اما آنها هم بدهکاری‌هایی را تحویل افراد و نظام‌های کاری بعد از خویش داده و بدون تسویه حساب رفته‌اند.

اینکه گفته شود علی فتح‌الله‌زاده از شاه‌مهره‌های استقلال در گذاشتن بدهی‌های انبوه بوده، حرف صحیحی است اما در سال‌های اخیر امثال افتخاری و افشارزاده هم از روی دست او کپی‌های موفقی گرفته‌اند و قروض‌شان نجومی بوده است و فتحی نیز همینطور و مسأله دوم که اهمیت بیشتری دارد این است که اگر حاجی فتح‌الله بدهی فراوانی روی دست باشگاه گذاشت، لااقل شش جام برایشان به ارمغان آورد و از بین مدیران اخیر فقط افتخاری با قهرمانی استقلال در جام حذفی دو فصل پیش چیزی را به ویترین افتخارات آبی‌ها اضافه کرد و بقیه دست خالی ماندند ولی بدون تعارف باید گفت که آن جام را نیز گل‌های مامه تیام برای استقلال صید کرد و نه مدیریت این و آن و نه حتی مربیگری شفر. چگونه است که سران ورزش دائماً مدیران متعدد و متنوعی را به استقلال می‌فرستند و آنها فقط بدهکاری به بار می‌آورند و سیاهه‌ای قطور از قروض نپرداخته را بر جای می‌گذارند و هیچکس هم آنها را استنطاق نمی‌کند و با سلام و صلوات می‌روند و بعداً براساس شهرت حاصل از مدیریت - ولو لرزان - خود در این باشگاه‌های بزرگ به پست‌های عالی‌تر هم نائل می‌شوند. اگر پول‌های شفر و بویان امروز و فردا پرداخت نشود استقلال به دسته‌ای پایین‌تر ارجاع خواهد شد و یا از چند پنجره نقل و انتقالاتی محروم خواهد گشت اما در آن حالت نیز هیچکس عین خیالش نیست. مگر نجف‌نژاد را به خاطر دیر رسیدن لیست آبی‌ها برای شرکت در جام باشگاه‌های آسیا و حذف استقلال از آن مسابقات مؤاخذه کردند که سران فعلی را نیز به زیر سؤال ببرند. مگر همین قضیه چند ماه پیش در مورد پروپژیچ دیگر بازیکن کروات سابق استقلال مشاهده نشد و آیا با آن همه کش و قوس در زمینه پرداخت بدهی‌های وی آب از آب تکان خورد؟!

مادامی که مدیران ارشد ورزش ولو با نیت خیر پا وسط می‌گذارند تا با پرداخت بدهی‌های کلان سرخابی‌ها آنها را در دقیقه ۹۰ از مجازات کمرشکن نجات بدهند، کار از اساس درست نخواهد شد و همیشه این باور وجود خواهد داشت که دائماً فرد یا سازمانی هست تا خرابکاری‌های ما را جمع کند. پس غصه نخوریم و خوش باشیم و از هشدارها نترسیم زیرا ما را برای نگران بودن و حس مسئولیت داشتن نساخته‌اند، هرچه باداباد.

عکس از رضا سعیدی پور

دود اختلاف مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره در چشم استقلال

# فروش مال غیر تخلف بزرگ در استقلال

گزارش
حمیدرضا عرب @hamidreza59arab

احضاریه‌ای که برای احمد سعادتمند، مدیرعامل باشگاه استقلال صادر شده ناشی از توافقی است که قبل از عقد قرارداد با شرکت فولاد متین، با شرکت آریا برتر منعقد شده است. آریا برتر ابتدای فصل جاری طی قراردادی با استقلال، برند این باشگاه را در ازای پرداخت مبلغ مشخصی در اختیار گرفت اما بعد از گذشت ایامی مدیرعامل جدید باشگاه استقلال تصمیم به عقد قرارداد با شرکت دیگری به نام فولاد متین گرفت. سعادتمند اعتقاد داشت که این قرارداد هیچ سودی برای باشگاه استقلال ندارد و به همین دلیل آن را یک طرفه فسخ کرد. این قرارداد در واقع ابتدا باید با رضایت شرکت آریا برتر، میان باشگاه استقلال و شرکت فولاد متین منعقد می‌شد اما تصمیم‌گیران در باشگاه استقلال بدون توجه به قرارداد با شرکت آریا برتر، اقدام به عقد قرارداد با شرکت جدیدی کرده‌اند که نتیجه‌اش شده شکایت از باشگاه استقلال و احضار مدیرعامل. شاید اگر به اصطلاح حقوقی میان باشگاه استقلال و شرکت آریا برتر بیع جاری نشده و شرکت طرف قرارداد مبالغی را به باشگاه پرداخت نمی‌کرد، این پرونده از فاز حقوقی خود خارج می‌شد و این دردسر بزرگ اکنون در کنار دیگر مشکلات مالی که باشگاه استقلال را عمیقاً تهدید می‌کند، آبی‌ها را آزار نمی‌داد اما مبالغ پرداخت شده‌ای در اسناد مالی باشگاه استقلال از سوی شرکت آریا برتر وجود دارد که نشان می‌دهد بیع میان دو طرف جاری شده است.

پیرو این ماجرا اگر به خاطر بیاورید، کامران منزوی، عضو سابق هیأت مدیره باشگاه استقلال تذکراتی پیرامون عقد قرارداد با شرکت جدید (فولاد متین) و بی‌اطلاعی هیأت مدیره از این ماجرا داده بود. بعد از آن نیز مصاحبه‌هایی از قول سعادتمند و خلیل‌زاده در رسانه‌ها منتشر شد که نشان می‌داد میان این دو نیز اختلاف‌هایی وجود دارد. سؤالی که در همان روزها پاسخش هرگز داده نشد این بود که به واقع چرا میان مدیرعامل باشگاه استقلال و رئیس هیأت مدیره که گفته می‌شود شرکت آریا برتر نیز ارتباط‌هایی با وی دارد، صلح برقرار نشد؟ آیا هر دو عضو مدیریتی باشگاه استقلال حکم کار خود را از وزارت ورزش نگرفته بودند و مجمع که گزینش افراد را به عهده دارد آیا نمی‌توانست هر دو عضوی که خود بر رأس کار گمارده را دعوت به آشتی کند تا شاهد این حجم از مصاحبه‌های تنش‌آفرین میان عالی‌ترین مسئولان باشگاه نباشیم؟ هیچ بعید نیست بخشی از دلایل شکایت امروز شرکت آریا برتر که برند باشگاه استقلال را برای مدت معلومی در اختیار گرفته بود، ناشی از همین اختلاف‌ها باشد.

اکنون که این دعوای حقوقی به وجود آمده هیأت مدیره و مجمع باشگاه استقلال پیرامون شکایت مطروحه سؤالات دیگری را نیز پیش روی خود می‌بینند.

۱- زمانی که قرار شد شرکت آریا برتر برند باشگاه استقلال را در اختیار بگیرد آیا مجوز ترک تشریفات از مجمع باشگاه استقلال اخذ شده بود؟

۲- آیا این قرارداد مصوبه اعضای هیأت مدیره را دارد؟

۳- آیا امضای مدیرعامل، رئیس هیأت مدیره و مهر باشگاه استقلال در پای قرارداد با شرکت آریا برتر بوده است؟

**زیر پا گذاشتن قرارداد با شرکت یا کارگزاری «آریا برتر» مانند این است که مال غیر را به فروش برسانی چرا که باشگاه استقلال در قبال قرارداد و مطالبات مالی برندش را به شرکت فوق داده بود**

۴- آیا موضوع مهم منع مداخله کارکنان دولت در این قرارداد رعایت شده است؟

در حالی که باشگاه استقلال خود به دلیل زیر پا گذاشتن قراردادی که ابتدا با آریا برتر منعقد کرده بود اکنون با شکایت این شرکت زیر سؤال رفته اما باید پاسخ این سؤالات هم روشن شود که همان قرارداد اولیه با شرکت آریا برتر که اکنون برای استقلال آزاردهنده شده، به شکل قانونی و با طی تمام مراحل حقوقی منعقد شده یا خیر؟! شاید اگر شکاف‌ها یا به اصطلاح باگ‌هایی در قرارداد با آریا برتر نبود هیچ گاه باشگاه استقلال اقدام به قرارداد با شرکت فولاد متین نمی‌کرد اما به نظر می‌رسد در عقد قرارداد اولیه نیز اشتباهاتی رخ داده که مدیران باشگاه استقلال بعدها تصمیم می‌گیرند با شرکت دیگری قرارداد ببندند. اگر هم تمام مراحل قانونی طی شده که یقیناً باشگاه استقلال در تخلف رخ داده مقصر اصلی است، چرا که قوانین را خود زیر پا گذاشته است. البته نظیر همین سؤالات درباره عقد قرارداد با شرکت فولاد متین هم وجود دارد و باید روشن شود که در عقد قرارداد با شرکت دومی آیا مجوز ترک تشریفات گرفته شده؟ آیا هیأت مدیره قرارداد را مصوب کرده و به امضای تمام اعضا رسیده و مهر باشگاه نیز زیر این قرارداد آمده است یا خیر؟ این سؤالات در شرایطی شیوه عقد قرارداد میان باشگاه استقلال و هر دو باشگاه را با پرسش‌هایی مواجه کرده که حتی شنیده می‌شود سعادتمند مجوز ترک تشریفات را از داورزنی، رئیس فدراسیون والیبال اخذ کرده است که حتی ذی‌حساب باشگاه استقلال نیز پیرو این مجوز نامه‌ای به وزارت ورزش ارسال می‌کند که چنین مجوزی نمی‌تواند قانونی باشد. احتمالاً این مجوز باید به امضای دیگر مسئولان وزارت ورزش می‌رسیده و در این باره نیز ظاهراً روابط سعادتمند با داورزنی مسیر مجوز امضا را تغییر داده است. اما گذشته از مسائل حقوقی و اینکه در جریان عقد قراردادهای فی‌مابین آیا قوانین به درستی اجرا شده باید در تفهیم بیشتر این ماجرا و شرح آنچه رخ داده به این نکته مهم اشاره داشت که زیر پا گذاشتن قرارداد با شرکت یا کارگزاری «آریا برتر» مانند این است که مال غیر را به فروش برسانی چرا که باشگاه استقلال در قبال قرارداد و مطالبات مالی برندش را به شرکت فوق داده بود و به نوعی خود را مکلف به پیروی از سیاست‌های این شرکت می‌دانست. شاید اگر پیش از عقد قرارداد با شرکت فولاد متین، قرارداد قبلی اقاله می‌شد و ضرر و زیان‌های ناشی از زیر پا گذاشتن قرارداد گذشته دیده می‌شد و شرکت آریا برتر به نوعی با استقلال برای فسخ به توافق نهایی می‌رسید هیچ گاه چنین پرونده‌ای گریبان باشگاه استقلال را نمی‌گرفت اما بی‌توجهی به بار حقوقی آن قرارداد، اختلاف‌های زیر پوستی میان مدیران و کمک نگرفتن از دستگاه قضایی به عنوان قاضی حل اختلاف با شرکت آریا برتر حالا این شرکت را نیز به جمع شاکیان باشگاه استقلال اضافه کرده است.

در شرایطی که باشگاه استقلال با پرونده‌های مالی بویان و شفر مواجه است و در عین حال پادوانی نیز درخواست غرامت نقص عضو کرده و در مصاحبه اخیر نیز آن را به تأیید رسانده، ماجرای شکایت شرکت آریا برتر نیز می‌تواند موانع پیش روی استقلال در بخش مالی را افزایش دهد. هیچ بعید نبود که اگر مجمع از مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره می‌خواست بر سر توافق برای همکاری با یک شرکت با هم به جمع‌بندی برسند، هیچ گاه استقلال دچار این خبط بزرگ نمی‌شد که در عین حال با دو شرکت بر سر واگذاری برند خود قرارداد امضا کند. حالا مدیران باشگاه استقلال بخصوص سعادتمند باید امیدوار باشند که آریا برتر در نهایت از خیر ضرر و زیان‌های ناشی از فسخ یک طرفه صرفنظر کند و در نهایت رضایت بدهد اما به واقع اگر این شرکت راضی به فسخ قرارداد نباشد آیا باشگاه استقلال می‌تواند از پس زیان‌های ناشی از فسخ یک طرفه این پرونده نیز برآید و در حالی که تحت فشار مالی است به این مشکل هم رسیدگی کند؟